

نویسنده: لاری جن «Larry Chin» .

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2023-09-03» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چه چیزی 22 سال جنگ و جنایات را رهبری کرد؟ یونوکال و مسیر آرزوی خط لوله ترانس افغانستان

What Spearheaded 22 Years of War and Atrocities? Unocal and the Coveted Trans-Afghan Pipeline Route



این مقاله دقیق و دقیق توسط لری چین توسط Global Research در مارس 2002 با عنوان Unocal: یو خط لوله افغانستان منتشر شد.

7 - اکتبر 2023 مصادف با تجاوز ناتو به افغانستان در 7 اکتبر 2001 است بیست و دو سال جنگ و جنایات توسط رهبری انجام شده است

1 - ژئوپلیتیک خط لوله استراتژیک ترانس افغانستان که موضوع این مقاله است .

2 - تصمیم طالبان (2000) برای کاهش شدید تولید تریاک با هدف لغو کامل

تجارت چند میلیاردی مواد مخدر افغانستان.

11 سپتامبر 2001 توجیه جنگ علیه افغانستان را فراهم کرد. یک کابینه جنگی در ساعت 11 شب در 11 سپتامبر 2001 ایجاد شد. روز بعد، شورای آتلانتیک شمالی ناتو در بروکسل تشکیل جلسه داد

. یک قدرت خارجی ناشناس به آمریکا حمله کرده بود و به ملتی که مورد حمله قرار می‌گرفت اجازه داد تا به نام «دفاع از خود» حمله کند» .

اگر مشخص شود که حمله [11 سپتامبر 2001] علیه ایالات متحده از خارج [افغانستان] علیه «ناحیه آتلانتیک شمالی» انجام شده است، به عنوان یک اقدام مشمول ماده 5 معاهده و اشنگتن تلقی خواهد شد (تأکید اضافه شده است)

بمباران و تهاجم به افغانستان که در 7 اکتبر 2001 آغاز شد، به جای جنگ به عنوان یک "کارزار" علیه "تروریست های اسلامی" توصیف شد" .

جنگ علیه تروریسم" آمریکا در 11 سپتامبر 2001 متولد شد .

میشل چوسودوفسکی، 30 اوت «2023»

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، شرکت نفت آرژانتینی بریداس به رهبری رئیس جاه طلب خود، کارلوس بولگرونی، اولین شرکتی بود که از میا دین نفتی ترکمنستان بهره برداری کرد و خط لوله را از طریق افغانستان همسایه پیشنهاد کرد. یک کنسرسیوم قدرتمند تحت حمایت ایالات متحده که قصد دارد خط لوله خود را از طریق همان کریدور افغانستان بسازد، با پروژه بریداس مخالفت خواهد کرد

مسیر آرزومند ترانس-افغان» «The Coveted Trans-Afghan Route



پس از مذاکره موفقیت آمیز در مورد اجازه برای اکتشاف در ترکمنستان، بریداس قرار دادهای اکتشافی برای بلوک کیمار در نزدیکی دریای خزر و بلوک یاشلار در نزدیکی

مرز افغانستان دریافت کرد تا مارس 1995، بولگهرونی با ترکمنستان و پاکستان به توافقاتی مبنی بر اعطای حق ساخت خط لوله به افغانستان به بریداس دست یافت و در انتظار مذاکرات با این کشور جنگ‌زده داخلی بود.

سال بعد، پس از جلسات گسترده با جنگ سالاران در سراسر افغانستان، بریداس با رژیم ربانی قرارداد 30 ساله برای ساخت و راه اندازی یک خط لوله گاز 875 مایلی در سراسر افغانستان داشت.

بولگهرونی معتقد بود که خط لوله او باعث ارتقای صلح و همچنین ثروت مادی در منطقه می‌شود. او برای پیوستن به یک کنسرسیوم بین‌المللی به شرکت‌های دیگر، از جمله یونوکال و مدیرعامل وقت آن، راجر بیچ مراجعه کرد.

اما یونوکال علاقه‌ای به مشارکت نداشت. دولت ایالات متحده، شرکت‌های نفتی و ساختمانی فراملیتی وابسته به آن و نخبگان حاکم غرب سال‌ها به همین مسیر ترانزیت نفت و گاز طمع داشتند.



درژنسکی

خط لوله ترانس افغانستان صرفاً یک موضوع تجاری نبود، بلکه جزء کلیدی یک دستور کار ژئواستراتژیک گسترده‌تر بود: کنترل کامل نظامی و اقتصادی اوراسیا (خاور میانه و جمهوری‌های آسیای مرکزی شوروی سابق). **زیگنیو برژینسکی** این منطقه را در کتاب خود "**صفحه بزرگ شطرنج** - برتری آمریکا و الزامات ژئواستراتژیک آن" به عنوان "**مرکز قدرت جهانی**" توصیف می‌کند. تصرف ثروت نفتی منطقه و حفر قلمرو به منظور ایجاد شبکه‌ای از مسیرهای ترانزیتی، هدف اصلی مداخلات نظامی ایالات متحده در طول دهه 1990 در بالکان، قفقاز و دریای خزر بود.

تا سال 1992، 11 شرکت نفتی غربی بیش از 50 درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های نفتی در حوزه خزر، از جمله یونوکال، آموکو، آتلانتیک ریچفیلد، شورون، اکسون موبیل، پنزویل، تکساکو، فیلیپس و بریتیش پترولیوم را در اختیار داشتند.

احمد رشید در کتاب «طالبان: اسلام ستیزه جو، نفت و بنیادگرایی در آسیای مرکزی» (یک اثر قطعی که منبع اصلی این گزارش است) نوشته است .

شرکت های نفتی ایالات متحده که رهبری اولین حملات ایالات متحده به منطقه را داشتند، می خواستند در سیا ستگذاری ایالات متحده نقش بیشتری داشته باشند «گروه های برنامه ریزی تجاری و سیا ستی فعال در آسیای مرکزی، مانند گروه شرکت های نفتی خارجی، با حمایت کامل وزارت خارجه ایالات متحده، شورای امنیت ملی، سیا و وزارت انرژی و بازرگانی فعالیت می کردند.



هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق ایالات متحده

از جمله فعال ترین عوامل برای تلاش های ایالات متحده: برژینسکی (مشاور آموکو و معمار جنگ افغانستان و شوروی در دهه 1970)، هنری کیسینجر (مشاور یونوکال) و الکساندر هیگ (لابی گر ترکمنستان) و دیک چنی. (هالیبرتون ، اتاق بازرگانی ایالات متحده و آذربایجان .

. نمایندگان یونوکال در آسیای مرکزی متشکل از مقامات سابق دفاعی و اطلاعاتی ایالات متحده بودند . رابرت اوکلی، سفیر سابق ایالات متحده در پاکستان، متخصص "ضد تروریسم" برای دولت ریگان بود که مجاهدین را در طول جنگ علیه شوروی در دهه 1980 مسلح و آموزش داد. او یکی از توطئه گران ایران- کنتررا بود که توسط لارنس والش، وکیل مستقل به عنوان یکی از شخصیت های کلیدی درگیر در ارسال تسلیحات به ایران متهم شد .

ریچارد آرمیتاژ، معاون فعلی وزیر دفاع، یکی دیگر از بازیگران ایران- کنتررا در استخدام یونوکال بود . آرمیتاژ یک نیروی دریایی سابق، عامل مخفی در لائوس، مدیر گروه کارلایل، ظاهراً عمیقاً با شبکه های تروریستی و جنایتکار در خاورمیانه و کشورهای

مستقل جدید اتحاد جماهیر شوروی سابق (تاجیکستان، ازبکستان و قرقستان) مرتبط است .

آرمیتاژ با خطوط لوله بیگانه نبود. آرمیتاژ به عنوان عضوی از انجمن برمه/میانمار، گروهی که بودجه عمده ای از یونوکال دریافت کرده بود، در شکایتی که توسط روستاییان برمه ای که در جریان ساخت خط لوله یونوکال متحمل نقض حقوق بشر شده بودند، دخیل بود). هالیبرتون، تحت رهبری دیک چنی، کار قراردادی را در همان پروژه برمه انجام داد.

بریداس در مقابل نظم نوین جهانی

با تاسف بریداس، یونوکال با پیشنهاد خود مستقیماً به سراغ رهبران منطقه رفت . یونوکال کنسرسیوم رقیب خود را به رهبری ایالات متحده و تحت حمایت واشنگتن تشکیل داد که شامل شرکت نفتی دلتا عربستان سعودی و همسو با شاهزاده عبدالله و ملک فهد سعودی بود. شرکای دیگر شامل گازپروم روسیه و شرکت دولتی ترکمنروزگاز ترکمنستان بودند .

جان ایمله، رئیس شرکت یونوکال (و عضو اتاق بازرگانی ایالات متحده و آذربایجان با آرمیتاژ، چنی، برژینسکی و دیگر چهره‌های حاضر)، با **نیا زوف**، رئیس‌جمهور ترکمنستان و بوتو، نخست وزیر پاکستان، لابی کرد و خط لوله یونوکال را به همان مسیر بریداس پیشنهاد داد . .

نیازوف که از چشم انداز اتحاد با ایالات متحده خیره شده بود، از بریداس خواست تا در قرارداد گذشته خود مذاکره کند و صادرات بریداس از میدان کیمار را مسدود کرد . بریداس با تشکیل سه پرونده در اتاق بازرگانی بین‌المللی علیه ترکمنستان به دلیل نقض قرارداد پاسخ داد. (بریداس برنده شد.) بریداس همچنین در تگزاس شکایتی را به اتهام توطئه مدنی و "تداخل پیچیده در روابط تجاری" به یونوکال ارائه کرد. در حالی که افسران آن در حال مذاکره با مقامات نفت و گاز پاکستان و ترکمنستان بودند، بریداس ادعا کرد که یونوکال ایده آن را دزدیده است و دولت ترکمنستان را مجبور کرد تا بریداس را از میدان کیمیر مسدود کند). این شکایت در سال 1998 توسط قاضی **برادی جی. الیوت**، یک جمهوری خواه، رد شد و ادعا کرد که هر گونه اختلاف بین یونوکال و بریداس به جای قوانین تگزاس، بر اساس قوانین ترکمنستان و افغانستان اداره می‌شود.

در اکتبر 1995، در حالی که هیچ یک از شرکت‌ها در موقعیت برنده نبودند، **بولگرونی** و **ایمله نیازوف** را در افتتاحیه مجمع عمومی سازمان ملل همراهی کردند .

نیازوف در آنجا قرارداد یک خط لوله گاز طبیعی به طول 918 مایل را به یونوکال اعطا کرد. بولگرونی شوکه شد. در مراسم اعلام، هنری کیسینجر، مشاور یونوکال، گفت که این معامله شبیه "پیروزی امید بر تجربه" است. بعدها، کنسرسیوم یونوکال، سنت گاز، قرارداد دیگری را برای یک خط لوله نفتی 1050 مایلی از دولت آباد از طریق افغانستان منعقد کرد که به بندر بارگیری نفتکش در پاکستان در ساحل دریای عرب متصل می شود.

اگرچه یونوکال در دو طرف مسیر پیشنهادی با دولت ها توافقاتی داشت، اما بریداس همچنان با افغانستان قرارداد داشت.

این مشکل از طریق سیا و طالبان تحت حمایت پاکستان ISI حل شد. پس از سفر رابین رافائل دستیار وزیر امور خارجه ایالات متحده در آسیای جنوبی به قندهار در پاییز 1996، طالبان وارد کابل شده و بسته های دولت ربانی را فرستادند.

توافق بریداس با **ربانی** باید دوباره مورد مذاکره قرار گیرد.

جلب نظر طالبان

به گفته احمد رشید، "نفوذ واقعی یونوکال بر طالبان این بود که پروژه آنها امکان به رسمیت شناختن ایالات متحده را به همراه داشت، که طالبان به شدت مشتاق تامین آن بودند".

Unocal هیچ وقت را برای چرب کردن کف دست طالبان تلف نکرد. این کشور به جنگ سالاران افغان که شورایی را برای نظارت بر پروژه خط لوله تشکیل خواهند داد، کمک های بشردوستانه ارائه کرد. این شبکه تلفن همراه جدید بین کابل و قندهار را فراهم کرد. یونوکال همچنین قول کمک به بازسازی قندهار را داد و 9000 دلار به مرکز مطالعات افغانستان دانشگاه نبراسکا اهدا کرد. وزارت امور خارجه ایالات متحده، از طریق سازمان کمک رسانی خود، USAID، کمک های مالی قابل توجهی برای آموزش و پرورش به طالبان اختصاص داد. در بهار 1996، مدیران یونوکال، **ژنرال عبدالرشید دوستم**، رهبر ازبکستان را به دالاس بردند تا درباره عبور خط لوله از مناطق شمالی (تحت کنترل ائتلاف شمالی) صحبت کنند.

بریداس با ایجاد ائتلاف با **نینگارکو**، یک شرکت سعودی که نزدیک به شاهزاده ترکی الفیصل، رئیس اطلاعات عربستان سعودی است، مقابله کرد. ترکی مربی اسامه بن لادن، متحد طالبان بود که علناً با خانواده سلطنتی عربستان درگیر بود. شاهزاده ترکی به عنوان یک حرکت برای بریداس، تجهیزات ارتبای و ناوگان وانت را در اختیار طالبان قرار داد. اکنون بریداس دو کنسرسیوم پیشنهاد کرد، یکی برای ساختن بخش افغانستان و دیگری برای مراقبت از هر دو انتهای خط تا نوامبر 1996، بریداس ادعا کرد که توافق

نامه ای را به امضاء طالبان و دوستم رسانده است. رقابت بین یونوکال و بریداس، همانطور که رشید توصیف می‌کند، «بازتاب رقابت درون خاندان سلطنتی سعودی بود»

در سال 1997، مقامات طالبان دو بار به واشنگتن دی سی و بونوس آیرس سفر کردند تا توسط یونوکال و بریداس شراب و شام بخورند. هیچ توافقی امضا نشد.

به نظر یونوکال می‌رسید که طالبان مخالفت می‌کند. طالبان علاوه بر حق امتیاز، برای پروژه‌های زیربنایی از جمله جاده‌ها و نیروگاه‌ها نیز تقاضای کمک مالی کردند. طالبان همچنین اعلام کردند که قصد دارند شرکت ملی نفت افغانستان را که در اواخر دهه 1970 توسط رژیم شوروی لغو شده بود، احیا کنند.

اسامه بن لادن (که فتوای خود را علیه غرب در سال 1998 صادر کرد) به طالبان توصیه کرد که با بریداس امضا کنند. بریداس علاوه بر پیشنهاد پیشنهادی بیشتر به طالبان، یک خط لوله باز را پیشنهاد کرد که برای جنگ سالاران و کاربران محلی قابل دسترسی باشد. خط لوله Unocal بسته شد - فقط برای اهداف صادراتی. طرح بریداس همچنین نیازی به تامین مالی خارجی نداشت، در حالی که یونوکال به وام از موسسات مالی غرب (بانک جهانی) نیاز داشت که به نوبه خود افغانستان را در برابر خواسته های دولت های غربی آسیب پذیر می‌کرد.

رویکرد بریداس به تجارت بیشتر به مذاق طالبان خوش آمد. در جایی که مهندسان بولگرونی و بریداس برای «نوشیدن چای با قبایل افغان» وقت می‌گذارند، مدیران آمریکایی یونوکال احکامی از بالا به پایین از مقر شرکت و سفارت ایالات متحده صادر کردند (از جمله درخواست برای آغاز گفتگو با ائتلاف شمالی تحت حمایت سیا).

در حالی که ظاهراً در افغانستان با استقبال خوبی مواجه شد، اما مشکلات بریداس با ترکمنستان (که آنها مداخله یونوکال و ایالات متحده را مقصر دانستند) آنها را در تنگنای نقدی و بدون عرضه قرار داده بود.

در سال 1997، آنها به دنبال شریک اصلی با نفوذ برای شکستن بن بست با ترکمنستان رفتند. آنها یکی را در آموکوپیدا کردند. بریداس 60 درصد از دارایی های خود در آمریکای لاتین را به آموکو فروخت. کارلوس بولگرونی و گروهش 40 درصد اقلیت باقی مانده را حفظ کردند.

دیگر نمادهای مالی فراملی، چیس منهن (به نمایندگی از بریداس)، مورگان استنلی (مدیریت آموکو) و آرتور اندرسن (تسهیل کننده ادغام پس از ادغام) را تسهیل کردند. زبیگنیو برژینسکی مشاور آموکو بود (Amoco).

یک سال بعد با بریتیش پترولیوم ادغام شد BP توسط شرکت حقوقی Baker & Botts که وکیل اصلی آن جیمز بیکر، دوست مادام العمر بوش، وزیر امور خارجه سابق و یکی از اعضای گروه کار لایل است، نمایندگی می شود).

یکی از مدیران شرکت نفت پاکستان با درک اهمیت این ادغام اشاره کرد: «اگر این کشورهای (آسیای مرکزی) خواهان مشارکت شرکت بزرگ آمریکایی باشند، آموکو بسیار بزرگتر از یونوکال است.

پاک کردن صفحه شطرنج دوباره

در سال 1998، در حالی که تیم آرژانتینی پیشرفت کندی داشت، یونوکال با تعدادی مشکلات جدید روبرو شد.

گازپروم زمانی از CentGas خارج شد که روسیه از دستور کار ضد روسی ایالات متحده شکایت کرد. این امر یونوکال را وادار کرد تا CentGas را به شرکت های گاز ژاپن و کره جنوبی گسترش دهد و در عین حال سهم غالب با دلتا را حفظ کند.

گروه های حقوق بشر اعتراض خود را به برخورد یونوکال با طالبان وحشی آغاز کردند. جمهوری خواهان محافظه کار در ایالات متحده که هنوز هم سال ها بر جنجال و رسوایی سازی کلینتون سوار شده بودند، به سیاست دولت کلینتون در آسیای مرکزی به دلیل عدم شفافیت و «رهبری» آن حمله کردند.

بار دیگر، خشونت پویایی را تغییر خواهد داد.

رئیس جمهور بیل کلینتون در واکنش به بمباران سفارتخانه های ایالات متحده در نایروبی و تانزانیا (منسوب به بن لادن)، موشک های کروز را به افغانستان و سودان فرستاد. دولت تماس دیپلماتیک خود را با طالبان قطع کرد و تحریم های سازمان ملل اعمال شد.

یونوکال از CentGas خارج شد و به وزارت امور خارجه اطلاع داد که "خط لوله گاز تا زمانی که یک دولت به رسمیت شناخته شده بین المللی در افغانستان ایجاد نشود ادامه نخواهد یافت". اگرچه یونوکال مذاکرات در مورد خط لوله نفت (پروژه جداگانه) را در داخل و خارج ادامه داد، اما عدم حمایت و اشنگتن مانع از تلاش ها شد.

در همین حال، بریداس اعلام کرد که نیازی به انتظار برای حل مسائل سیاسی نخواهد داشت و قصد خود را برای پیشبرد پروژه خط لوله گاز افغانستان به تنهایی تکرار کرد. پاکستان، ترکمنستان و افغانستان تلاش کردند تا عربستان سعودی را به سوی سنت

گاز سوق دهند (در حال حاضر دلتای عربستان سعودی رهبر بود) اما جنگ و تنش بین آمریکا و طالبان، تجارت را غیرممکن کرد

برای دوره باقیمانده ریاست جمهوری کلینتون، هیچ گونه رسمی به رسمیت شناختن افغانستان توسط ایالات متحده یا سازمان ملل وجود نخواهد داشت. و هیچ پیشرفتی در خط لوله وجود ندارد. سپس جورج واکر بوش کاخ سفید را تصاحب کرد.

با تقدیم احترامات «04-09-2023»

-3

دریمه مقاله د [د 11/9 تحلیل: د اوباما "لوی دروغ": د
سپینی مانی پروپاگند او (2011) د اسامه بن لادن "مرگ یا
مړینه] تر عنوان لاندی په راتلونکی کی